Archive of SID

بررسی‌های حسابداری و حسابرسی
دانشکدهٔ مدیریت دانشگاه تهران
دورهٔ ۲۱، شمارهٔ ۴
زمستان ۱۳۹۳
ص. ۴۳۰- ۴۰۹

بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر شکاف مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

حمزه دیدار[۱]، غلامرضا منصورفر[۲]، مهدی کفعمی[۳]

چکیده: در این پژوهش به بررسی رابطهٔ بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و شکاف مالیاتی پرداخته شده است. این ارزیابی از طریق بررسی رابطه بین برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی شامل استقلال هیئت‌مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل، سهامداران نهادی، مالکیت دولتی، حسابرسی داخلی، اظهار نظر حسابرس، تغییر حسابرس و معامله با اشخاص وابسته با شکاف مالیاتی انجام گرفته است. همچنین برای نتیجه‌گیری بهتر، دو متغیر کنترلی اندازهٔ شرکت و اهرم مالی نیز وارد مدل پژوهش شده است. برای این منظور، ۱۱۰ شرکت نمونه برای یک دورهٔ شش‌ساله در بازهٔ زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بررسی شده است. آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش رگرسیونی چندمتغیره بر اساس داده‌های تلفیقی انجام گرفت. نتایج پژوهش بیانگر این است که رابطهٔ متغیرهای استقلال هیئت‌مدیره، مالکیت دولتی، نوع اظهارنظر حسابرس، تغییر حسابرس و اهرم مالی با شکاف مالیاتی، منفی است و متغیرهای حسابرسی داخلی و اندازهٔ شرکت رابطهٔ مثبتی با شکاف مالیاتی دارند. همچنین متغیرهای دوگانگی نقش مدیرعامل، سهامداران نهادی و معامله با اشخاص وابسته، رابطهٔ معناداری با شکاف مالیاتی ندارند.

واژه های کلیدی: استقلال هیئت‌مدیره، حاکمیت شرکتی، سهامداران نهادی، شکاف مالیاتی، معامله با اشخاص وابسته.

۱. استادیار گروه حسابداری، دانشکدهٔ اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
۲. استادیار گروه حسابداری، دانشکدهٔ اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
۳. کارشناس‌ارشد حسابداری، دانشکدهٔ اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۷/۱۲
تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۰۹/۲۰
نویسندهٔ مسئول مقاله: حمزه دیدار
E-mail: h.didar@urmia.ac.ir

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

با جدا شدن مالکیت و مدیریت، مدیران با سِمَت نمایندهٔ سهامداران، شرکت را اداره می‌کنند (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). با شکل‌گیری رابطهٔ نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران، سهامداران و سایر ذی‌نفعان (از جمله دولت) ایجاد می‌شود و به‌طور بالقوه این امکان به‌وجود می‌آید، مدیران اقداماتی در جهت منافع خویش انجام دهند و ضرورت ندانند اقدامات انجام‌گرفته در جهت منافع سهامداران و سایر ذی‌نفعان باشد که به آن، مسئلهٔ نمایندگی گفته می‌شود (شعری و مرفوع، ۱۳۸۵). یکی از ذی‌نفعان اصلی شرکت‌ها، دولت است که بخش عمده‌ای از منابع درآمدی خود را از طریق وصول مالیات تأمین می‌کند. درآمد مالیاتی نقش بسزایی در تأمین هزینه‌های دولت دارد و این امکان را فراهم می‌کند دولت در راستای شکوفایی، رشد و رونق اقتصادی، سرمایه‌گذاری کند. بخش عمدهٔ مالیات‌های وصولی دولت از محل مالیات عملکرد اشخاص حقوقی تأمین می‌شود. در این راستا دولت که یکی از ذی‌نفعان شرکت‌هاست، برای تشخیص مالیات بر اظهارنامه‌های مالیاتی‌ای تکیه می‌کند که مؤدیان مالیاتی تنظیم و تسلیم می‌کنند (باباجانی و عبدی، ۱۳۸۹). با وجود تکیهٔ دولت بر اظهارنامه‌های مؤدیان، در همهٔ کشورها، اغلب، مالیات ابرازشده با مالیات تعیینی یکسان نیست که در اصطلاح به آن شکاف مالیاتی گفته می‌شود. از مهم‌ترین عوامل این اختلاف، نبود کارایی لازم در ادارهٔ شرکت‌ها و شفاف‌نبودن اطلاعات ارائه‌شدهٔ شرکت‌هاست که موجب تضییع بخشی از حقوق سایر ذی‌نفعان می‌شود. به بیان دیگر، مدیران ممکن است اقداماتی را انجام دهند که صرفاً به نفع سهامداران شرکت باشد و منافع سایر گروه‌های ذی‌نفع نادیده گرفته شود.

یکی از عوامل اصلی بهبود کارایی اقتصادی، سازوکارهای حاکمیت شرکتی است که دربرگیرندهٔ مجموعه‌ای از روابط میان شرکت، هیئت‌مدیره، سهامداران و سایر گروه‌های ذی‌نفع است. ضرورت حاکمیت شرکتی، از تضاد منافع مشارکت‌کنندگان (ذی‌نفعان) در ساختار شرکت ناشی می‌شود. تضاد منافع که از آن با عنوان مسئلهٔ نمایندگی یاد می‌شود، خود ناشی از دو علت عمده است؛ اول اینکه هر مشارکت‌کننده، اهداف و ترجیحات متفاوتی دارد و دیگر اینکه هریک در مورد اقدامات، دانش و ترجیحات دیگری اطلاعات کاملی ندارد. بدیهی است این تفکیک با فرض نبود سازوکارهای مؤثر اجرایی حاکمیت شرکتی، زمینهٔ اقدام مدیران در راستای منافع خود و نه منافع منافع سهامداران را فراهم خواهد کرد (برل و مینز، ۱۹۳۲). سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر اطلاعاتی که شرکت‌ها برای سهامداران و سایر ذی‌نفعان افشا می‌کنند، اثر می‌گذارد و احتمال افشانشدن کامل و مطلوب اطلاعات را کاهش می‌دهد (لوبو، ۲۰۰۷). بهبود کیفیت افشای شرکت، سبب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی نیز مدیریت

www.SID.ir

Archive of SID

سود کمتر را به همراه دارد (نوروش و حسینی، ۱۳۸۷). سازوکارهای حاکمیت شرکتی با ارزش ایجادشده برای سهامداران، رابطهٔ مستقیمی دارد (برادران حسن‌زاده، بادآورنهندی و بابایی، ۱۳۹۱)، اثر کاهنده‌ای بر هزینهٔ بدهی شرکت می‌گذارد (احمدپور، کاشانی‌پور و شجاعی، ۱۳۹۰) و دارای رابطهٔ معکوس با عدم تقارن اطلاعاتی است (رحیمیان، صالح‌نژاد و سالکی، ۱۳۸۹). درنتیجه می‌توان انتظار داشت، ضمن رعایت حقوق کلیهٔ ذی‌نفعان از جمله دولت، شکاف مالیاتی نیز در این شرکت‌ها کمتر شود. یکی از راهکارهای عملیاتی برای کاهش مشکلات نمایندگی، تدوین آیین‌نامه‌ای برای اِعمال حاکمیت شرکتی مناسب است که در سال‌های اخیر کشور ما نیز به آن توجه می‌کند. یکی از فواید این آیین‌نامه، رتبه‌بندی شرکت‌ها از نظر ساختار حاکمیت شرکتی است. برای تدوین درست و کاربردی این آیین‌نامه به اطلاعاتی نیاز است که تأثیر تمام جوانب و سازوکارهای حاکمیت را بر کلیهٔ ذی‌نفعان در نظر بگیرد. در بیشتر مطالعات قبلی در حوزهٔ حاکمیت شرکتی، نقش دولت به‌مثابهٔ یکی از ذی‌نفعان اصلی، نادیده انگاشته شده است و فقط باباجانی و عبدی در سال ۱۳۸۹ به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها پرداخته‌اند. پژوهش آنان سه سازوکار با جنبهٔ نظارتی حاکمیت شرکتی بر سود مشمول مالیات را آزموده است. این در حالی است که حاکمیت شرکتی از سازوکارهای زیادی تشکیل شده است.

این پژوهش تلاش می‌کند به جنبه‌های مختلف حاکمیت شرکتی توجه کند و سازوکارهایی را به‌کار گیرد که طبق مبانی نظری و مطالعات قبلی، انتظار رود در شکاف مالیاتی تغییر ایجاد کند. به بیانی، آنچه در این پژوهش به آن توجه شده، حصول اطمینان از این مطلب است که آیا طبق مبانی نظری حاکمیت شرکتی که ادعا می‌شود، در صورت قوی‌بودن، حقوق کلیهٔ ذی‌نفعان (از جمله دولت) را لحاظ می‌کند، در مورد شکاف مالیاتی نیز مصداق دارد؟ به بیان ساده‌تر، آیا بین وجود عناصر و ساختار حاکمیت شرکتی و میزان شکاف مالیاتی رابطه‌ای وجود دارد؟

پیشینهٔ نظری پژوهش

حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی سازوکاری است که از طریق اِعمال آن، مشکلات نمایندگی برطرف می‌شود، کیفیت اطلاعات ارائه‌شدهٔ شرکت‌ها بهبود می‌یابد و رعایت حقوق سهامداران و کلیهٔ ذی‌نفعان از جمله دولت‌ها و عموم مردم جامعه کانون توجه قرار می‌گیرد (باباجانی و عبدی، ۱۳۸۹). بر اساس چارچوب تحلیلی، می‌توان عموم را ذی‌نفع شرکتی در نظر گرفت؛ زیرا عموم با پرداخت مالیات، زیرساخت ملی را برای انجام عملیات شرکت‌ها فراهم کرده‌اند.

www.SID.ir

Archive of SID

سازوکارهای حاکمیت شرکتی

سیستم حاکمیت شرکتی، سازوکاری نظارتی است که وظیفهٔ اِعمال کنترل رفتارهای مالی و مدیریتی را برعهده دارد و هماهنگ با نظام حقوقی و فرهنگی هر شرکت (سازمان) تدوین می‌شود. اگر این اجزا و سازوکارها به درستی اِعمال شود، نظارت و کنترل صحیح نیز تحقق می‌یابد (بنیامین، ۲۰۰۹).

مهرانی و صفرزاده (۱۳۹۰)، برای تعیین سازوکارهای حاکمیت شرکتیِ ایران، پرسشنامه‌ای را در دو مرحله در اختیار خبرگان قرار داند. بر اساس نظر خبرگان سازوکارهای حاکمیت شرکتیِ ایران هجده عامل تعیین شد. در این پژوهش تلاش شده است متغیر مستقل سازوکارهایی در نظر گرفته شود که با شکاف مالیاتی مرتبط هستند، بنابراین هشت عامل از سازوکارهای فوق انتخاب شدند. در ادامه به معرفی این سازوکارها پرداخته شده است.

استقلال هیئت‌مدیره

هیئت‌مدیرهٔ شرکت، نهاد هدایت‌کننده‌ای است که نقش نظارت بر کار مدیران اجرایی را به‌منظور حفظ منافع مالکیتی سهامداران برعهده دارد. معمولاً بیان می‌شود که موفقیت مطلوب شرکت در گروی هدایت مطلوب آن است. در گزارش کاربری توصیه شده است، باید بین اعضای هیئت‌مدیره توازن قوا وجود داشته باشد تا هیچ‌کس قادر به کنترل «بی‌قید و شرط» فرایند تصمیم‌گیری در شرکت نباشد. از دیدگاه نظریهٔ نمایندگی، حضور مدیران غیر موظف در هیئت‌مدیرهٔ شرکت‌ها و عملکرد نظارتی آنها به‌منزلهٔ افرادی مستقل، به کاهش تضاد منافع موجود مدیران و ذی‌نفعان کمک زیادی می‌کند. همبریک و جکسون (۲۰۰۰)، معتقدند هرچه تعداد اعضای مستقل هیئت‌مدیره در ترکیب هیئت‌مدیره بیشتر باشد، عملکرد شرکت بهتر خواهد بود؛ نتیجه‌ای که محققانی همچون دونالدسون و دیویس (۱۹۹۱) خلاف آن را به تأیید رسانده‌اند. به‌طور معمول هیئت‌مدیره‌ای که تعداد مدیران غیر موظف آن بیشتر است، تصویر مثبتی از استقلال و مسئولیت پاسخگویی را برای سهامداران تداعی می‌کند و حصول اطمینان از رعایت ویژگی‌های حاکمیت شرکتی را نیز افزایش می‌دهد، درنتیجه، انتظار می‌رود در شرکت‌هایی که تعداد اعضای غیر موظف هیئت‌مدیره بیشتر است، شکاف مالیاتی کمتر باشد.

دوگانگی نقش مدیرعامل

دوگانگیِ وظیفهٔ مدیرعامل به حالتی گفته می‌شود که مدیرعامل، رئیس هیئت‌مدیره نیز باشد. این وضعیت سبب می‌شود مدیرعامل دارای اختیار بیشتری برای کنترل اطلاعات در دسترس سایر اعضا شود، در نتیجه ممکن است از نظارت مؤثر مدیرعامل جلوگیری کند. قدرت تصمیم‌گیری

www.SID.ir

Archive of SID

متمرکز در نتیجهٔ دوگانگی وظیفهٔ مدیرعامل، ممکن است موجب کاهش استقلال هیئت‌مدیره و کاهش گرایش طبیعی آن برای افشای اختیاری اطلاعات شود. همچنین با حضور مدیرعامل در ترکیب هیئت‌مدیره، تهدید کمتری برای از دست‌دادن کار دارد و این دوگانگی وظایف سبب می‌شود، مدیر انگیزهٔ کمتری برای بهبود عملکرد داشته باشد که بر عملکرد شرکت اثر منفی می‌گذارد (مینیک و نوگا، ۲۰۱۰). تفکیک‌نشدن وظایف مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره می‌تواند به کاهش اثربخشی نقش نظارتی هیئت‌مدیره بیانجامد و زمینهٔ تضییع حقوق ذی‌نفعان را در پی داشته باشد. بر اساس مطالعات انجام‌گرفته، تفکیک وظایف مدیرعامل از رئیس هیئت‌مدیره، به هیئت‌مدیره استقلال بیشتری می‌دهد و در نتیجه به کاهش مشکلات نمایندگی و افزایش کیفیت گزارشگری مالی منجر می‌شود (اسماعیل‌زاده، جلیلی و عباس‌آبادی، ۱۳۸۹). در نتیجه انتظار می‌رود در شرکت‌هایی که سمت مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره از هم تفکیک شده است، شکاف مالیاتی کمتر باشد.

سهامداران نهادی

سهامداران نهادی، شرکت‌های بیمه، بانک‌ها، صندوق‌های بازنشستگی، صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری و شرکت‌های سرمایه‌گذاری را شامل می‌شود .سهامداران نهادی که ثروت و منابع مالی زیادی در اختیار دارند، نسبت به سایر سهامداران در به‌دست‌آوردن و استفاده از اطلاعات گرانبها، با ارزش، به‌موقع و مربوط‌تر، گرایش بیشتری دارند. بنابراین می‌توانند مانع سیاست‌ها و فعالیت‌های مدیران در استفاده از مدیریت سود فرصت‌طلبانه شوند (بوشی، ۱۹۹۸).

در ادبیات حاکمیت شرکتی، سرمایه‌گذاران نهادی یکی از سازوکارهای خارجی مؤثر در نظارت بر شرکت شناخته می‌شوند. این گروه از فعالان بازار سرمایه، با توجه به برخورداری از دانش و تخصص کافی، دسترسی به شبکه‌های ارتباطی مؤثر و انگیزهٔ لازم برای نظارت بر عملکرد مدیریت، می‌توانند نقش اساسی در ارتقای سیستم حاکمیت شرکتی و در نتیجه افزایش کارایی و بهره‌وری شرکت ایفا کنند. شلیفر و ویشنی (۱۹۸۶) به این نکته اشاره می‌کنند که وجود سهامدار بزرگ، سبب کاهش مسئلهٔ نمایندگی در سازمان می‌شود. در نتیجه می‌توان انتظار داشت افزایش سهامداران نهادی، موجب کاهش شکاف مالیاتی در شرکت‌ها می‌شود.

مالکیت دولتی

به‌طور کلی سرمایه‌گذاران در بورس به دو دستهٔ سهامداران حقیقی و سهامداران حقوقی تقسیم می‌شوند. بخشی از سهامداران حقوقی را واحدهای دولتی و شبه‌دولتی مانند بانک‌ها، بیمهٔ تأمین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی و... تشکیل می‌دهند. دولت در مقام اصلی‌ترین حامی اقتصاد،

www.SID.ir

Archive of SID

همواره نقش مهمی در هر کشور ایفا می‌کند. دولت‌ها به‌دلیل در اختیار گرفتن قدرت تصمیم‌گیری شرکت‌ها و پیاده‌کردن سیاست‌های کلان خود، همواره سرمایه‌گذارِ بزرگِ کشورهای در حال توسعه و به‌خصوص ایران شمرده می‌شوند. سیستم گزارشگری و حسابداری شرکت‌ها که متأثر از حاکمیت شرکتی آنهاست، تحت تأثیر نوع مالکیت شرکت قرار می‌گیرد (ابراهیمی کردلر و شهریاری، ۱۳۸۸). چنانکه سازمان‌های دولتی و شبه‌دولتی در شرکتی سرمایه‌گذاری شایان توجهی انجام دهند، نفوذ چشمگیر یا حتی کنترل آن شرکت را به‌دست می‌آورند، در این صورت انتظار می‌رود در ارائهٔ اطلاعات به‌موقع و قابل اتکا، منافع ذی‌نفعان (از جمله دولت) بهتر برآورده شود، بنابراین می‌توان انتظار داشت شکاف مالیاتی در آنها کمتر باشد.

حسابرسی داخلی

حسابرسی داخلی زیربنای وجود نظام راهبری مستحکم در سازمان است و پل ارتباطی مدیریت ارشد و هیئت‌مدیره محسوب می‌شود. وظیفهٔ حسابرسی داخلی، ارزیابی محیط اخلاق حرفه‌ای و اثربخشی و کارایی عملیات است. حسابرسی داخلی همچنین، رعایت قوانین، مقررات و بهترین رویه‌ها در سازمان را پیگیری و کنترل می‌کند. یک نهاد حسابرسی داخلی متخصص و مستقل با به‌کارگیری شیوه‌ای اصولی برای ارزیابی مؤثر طراحی و اجرای نظام کنترل‌های داخلی و فرایندهای مدیریت ریسک، مدیریت و هیئت‌مدیره را در ایفای وظایف محوله، یاری می‌دهد. گراملینگ و مایرز (۲۰۰۳) ارتباط بین حسابرسی داخلی و حاکمیت شرکتی را بررسی کردند. مهم‌ترین یافتهٔ این مطالعه، اثر محرک و ترغیب‌کنندگی حسابرسی داخلی در اجرای حاکمیت شرکتی اثربخش بود. در نتیجه انتظار می‌رود در شرکت‌هایی که واحد حسابرسی داخلی مستقر شده است، میزان شکاف مالیاتی کمتر باشد.

نوع اظهارنظر حسابرس

حسابرسی به‌منزلهٔ حرفه‌ای مستقل، وظیفهٔ خطیری در اعتباردهی گزارش‌های مالی برای جامعهٔ استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی برعهده دارد. اطلاعات مالی حسابرسی‌شده، ابزاری برای کاهش مخاطرهٔ سرمایه‌گذاری‌ها، بهبود کیفیت تصمیم‌گیری درون‌سازمانی و برون‌سازمانی، افزایش سطح بازده ناشی از دادوستد اوراق بهادار و بهبود ساختار سبد سرمایه‌گذاری افراد و گروه‌های مختلف است. فرض اولیهٔ سازوکار حاکمیت شرکتی و فرایند حسابرسی ـ که یکی از اجزای بسیار مهم آن تلقی می‌شود ـ این است که هدف واحد تجاری، حفظ منافع سهامداران است. براساس مباحث نظری، انتظار می‌رود صاحبکارانی که از رتبهٔ حاکمیت شرکتی بالایی برخوردارند، اطلاعات حسابداری تهیه‌شدهٔ شرکت‌هایشان، دارای قابلیت اتکا و اطمینان مطلوب باشد. به بیانی دیگر با افزایش

www.SID.ir

Archive of SID

کیفیت اطلاعات حسابداری، احتمال وقوع تقلب، تحریف و سایر انواع سوء جریان در صورت‌های مالی این گروه از شرکت‌ها، به حداقل خواهد رسید و اظهار نظر مقبول حسابرسان مستقل برای آنها، معقول و منطقی به نظر می‌رسد (حساس‌یگانه و داداشی، ۱۳۸۹). در نتیجه انتظار می‌رود در شرکت‌های با گزارش حسابرس تعدیل‌نشده، شکاف مالیاتی کمتر باشد.

تغییر حسابرس

حسابرسی صورت‌های مالی و سایر اطلاعات مالی از مهم‌ترین ابزارهای حصول اطمینان از شفافیت اطلاعات شرکت‌ها به‌شمار می‌رود. حسابرسان مستقل از طریق اعتباردهی به صورت‌های مالی و اطلاعات دیگری که به آنها رسیدگی می‌کنند، کاستی‌های اطلاعات مالی را می‌زدایند و موجب شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها می‌شوند. بر همین اساس، حسابرسی صورت‌های مالی توسط حسابرسان مستقل، یکی از الزامات اصلی بورس‌های مختلف دنیا شمرده می‌شود. در دهۀ اخیر، به‌دلیل برخی از رسوایی‌های مالی، مانند رسوایی‌های حسابداری شرکت‌های انرون، وردکام و مانند آن، استقلال حسابرسان همواره زیر سؤال می‌رود، نهادهای نظارتی حرفۀ حسابداری و بازار سرمایه، به‌منظور تقویت استقلال حسابرسان، تغییر منظم آنها را به‌منزلۀ یکی از راهکارها پیشنهاد یا الزام‌کرده و به‌اجرا گذاشته‌اند (بولو، مهام و گودرزی، ۱۳۸۹). یافته‌های چانگ (۲۰۰۴) نشان می‌دهد که با تغییر حسابرس، مدیریت سود در صورت‌های مالی کاهش می‌یابد. کمرون و همکاران (۲۰۰۸)، معتقدند فرایند تغییر حسابرس، موجب افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران به گزارش‌های تهیه‌شدۀ حسابرسان می‌شود و در نتیجه، انگیزۀ حسابرسان برای کشف و گزارش تحریفاتِ با اهمیت، به‌دلیل اعتماد سرمایه‌گذاران افزایش می‌یابد. در نتیجه انتظار می‌رود فرایند تغییر حسابرس در شرکت‌ها، کاهش شکاف مالیاتی را به‌دنبال داشته باشد.

معامله با اشخاص وابسته

معامله با اشخاص وابسته از موضوعات عادی تجارت و بازرگانی است. بر اساس نظریۀ نمایندگی، معاملات با اشخاص وابسته، نوعی مصرف منابع برای تأمین منافع مدیران محسوب می‌شود. اشخاص وابسته می‌توانند از نفوذ خود برای کسب منافع شخصی به‌واسطۀ روی‌آوردن به چنین معاملاتی استفاده کنند و موجب انتقال ثروت از شرکت به سمت خود شوند. همچنین این‌گونه معاملات می‌توانند قابلیت اتکای صورت‌های مالی را کاهش دهند و در بلندمدت آثار مخربی بر فرایند ارزش‌آفرینی واحد تجاری داشته باشند (کولبک و بیریان، ۲۰۰۴). ارتباط با اشخاص وابسته اثر مهمی بر نتایج و وضعیت مالی شرکت دارد؛ به این دلیل که اشخاص وابسته معاملاتی با شرکت انجام می‌دهند که اشخاص غیر وابسته نمی‌توانند. به‌علاوه، نتایج و وضعیت مالی شرکت به‌دلیل

www.SID.ir

Archive of SID

وجود اشخاص وابسته تأثیر می‌پذیرد، حتی اگر معامله‌ای با شرکت انجام ندهند (کورلاسیاو تئودور، ۲۰۱۱). با توجه به موارد فوق به نظر می‌رسد معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند اثر افزاینده‌ای بر میزان شکاف مالیاتی در شرکت‌ها داشته باشد.

مالیات

مالیات نوعی هزینه است که افراد جامعه آن را برای بهره‌برداری از امکانات، منابع، خدمات عمومی و ضروری، تضمین امنیت و دفاع همگانی و عمران و آبادانی یک کشور به دولت خود پرداخت می‌کنند و در واقع انتقال بخشی از درآمدهای جامعه به دولت یا بخشی از سود فعالیت‌های اقتصادی است که نصیب دولت می‌شود؛ زیرا دولت ابزار و امکانات دستیابی به درآمد و سودها را برای آنها فراهم آورده است. مالیات از حیث جایگاه کسب درآمد به چهار منبع مالیات بر درآمد، مالیات بر دارایی، مالیات بر سرمایه و مالیات بر خدمات تقسیم می‌شود. طبق مادهٔ ۱۰۵ اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم، مصوب سال ۱۳۸۰، سهم دولت ۲۵ درصد از سود اشخاص حقوقی است که باید در وجه دولت واریز شود.

شکاف مالیاتی

در بیشتر کشورهای در حال توسعه، دستگاه مالیاتی کارایی لازم را ندارد و به این ترتیب زمینهٔ فرار و اجتناب مالیاتی و به‌تبع آن، شکاف مالیاتی در این کشورها مهیا می‌شود. شکاف مالیاتی عبارتست از تفاوت بین مالیات وصول‌شده و آنچه طبق قانون باید وصول شود. فرار مالیاتی، مالیات‌های معوق، خطاهای مؤدیان در اظهار و پرداخت مالیات، خطای ممیزان در تشخیص و دریافت و عوامل دیگری که منجر به پدیدهٔ عدم تمکین مالیاتی می‌شود، شکاف مالیاتی محسوب می‌شوند (سیلوانی، ۱۳۸۱).

شکاف مالیاتی از دو بخش عمدهٔ فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی تشکیل شده است. فرار مالیاتی، نوعی تخلف از قانون است. وقتی مؤدی مالیاتی از گزارش درست دربارهٔ درآمدهای حاصل از کار یا سرمایهٔ خود که مشمول پرداخت مالیات می‌شود، امتناع کند، عمل غیررسمی انجام می‌دهد که او را از چشم مقامات دولتی و مالیاتی کشور دور نگه می‌دارد. اجتناب از مالیات، از خلأهای قانونی در قانون مالیات‌ها نشئت می‌گیرد. رگو (۲۰۰۳) استفاده از روش‌های برنامه‌ریزی مالیاتی که به‌طور قانونی پرداخت مالیات بر درآمد شرکت‌ها را کاهش می‌دهد، اجتناب از پرداخت مالیات تعریف کرده است. اجتناب از پرداخت مالیات به‌طور کلی کاهش آشکار مالیات تعریف شده است (هانلون، ۲۰۰۹). فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات به‌طور متداول به ابزارهای صرفه‌جویی مالیات گفته می‌شود که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد (دسایی و دارماپالا، ۲۰۰۶).

www.SID.ir

Archive of SID

مسئلهٔ نمایندگی مفاهیم اجتناب از پرداخت مالیات را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که اجتناب از پرداخت مالیات همیشه به افزایش ثروت سهامداران بیرونی منجر نمی‌شود. مطابق با این نظریه، فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات ممکن است در انحراف منافع به سمت مدیران نقش داشته باشد که دامنهٔ آن از دستکاری و سرقت سود شرکت تا پاداش بیش از اندازهٔ مدیران در شکل‌های مختلف، متغیر است.

پیشینهٔ تجربی پژوهش

پژوهش همیلتون (۲۰۰۵) مشخص کرد که تغییر شریک مؤسسهٔ حسابرسی با اقلام تعهدی کمتری همراه است. این نتایج نشان می‌داد که گزارشگری محافظه‌کارانه پس از چرخش شریک مؤسسهٔ حسابرسی، افزایش می‌یابد.

فریز (۲۰۰۶) به این نتیجه رسید که قانون مالیات می‌تواند اصول راهبری شرکت‌ها را با تخصیص امتیازها یا تحمیل مجازات تحت تأثیر قرار دهد. به‌علاوه، ساختار اصول راهبری شرکت‌ها از اینکه شرکت چگونه مالیات را مدیریت می‌کند، تأثیر می‌پذیرد. همچنین، سیستم مالیاتی می‌تواند اصول راهبری شرکت‌ها را در دورهٔ پرداخت سود سهام متأثر کند.

ریچاردسون و لانیس (۲۰۰۷) به بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر تغییرات نرخ مؤثر مالیات، قبل و بعد از اصلاحیهٔ مالیاتی در استرالیا پرداختند. یافته‌های آنها حاکی از آن بود که بین چند عامل عمده از ویژگی‌های شرکت (شامل اندازهٔ شرکت، ساختار سرمایه، ترکیب دارایی‌ها و هزینهٔ تحقیق و توسعه) با نرخ مؤثر مالیات، رابطهٔ معنادار وجود دارد.

دسایی (۲۰۰۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که نرخ‌های مالیاتی بالا، به بدترشدن سیستم‌های حاکمیت شرکتی منجر می‌شود و برعکس، نرخ‌های پایین مالیاتی سبب بهبود سیستم‌های حاکمیت شرکتی‌شده، افزایش درآمدهای مالیاتی را در پی خواهد داشت.

ساتوری (۲۰۰۸) نشان داد که واکنش بین حاکمیت شرکتی و مالیات به‌صورت متقابل است. در واقع از یک‌سو، قواعد حاکمیت شرکتی تأثیرات ساختاری در برآورده‌کردن تعهدهای مالیاتی شرکت‌ها دارد و از سوی دیگر، طرح‌های مالیاتی (از دیدگاه دولت) و ارتباط‌دادن آنها به راهبردهای مالیاتی (از دیدگاه شرکت)، می‌تواند تأثیر بسزایی در ایجاد حاکمیت شرکتی پویا داشته باشد.

ریچاردسون (۲۰۱۲) به این نتیجه رسید که تعداد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره، رابطهٔ منفی و معناداری با رویهٔ مالیاتی متهورانه دارد. به بیان دیگر، هرچه تعداد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره بیشتر باشد، شرکت کمتر به مدیریت مالیات روی می‌آورد.

www.SID.ir

Archive of SID

باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی رابطهٔ اصول راهبری شرکت‌ها و سود مشمول مالیات شرکت‌ها پرداختند. این ارزیابی از طریق بررسی رابطهٔ سازوکارهای استقلال هیئت‌مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل و سهامداران نهادی با درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان داد بین میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در گروه شرکت‌هایی که دارای معیارهای اصول راهبری شرکت‌ها هستند با گروه شرکت‌هایی که از معیارهای اصول راهبری شرکت‌ها برخوردار نیستند، تفاوت معناداری وجود ندارد.

طالب نیا و عرب‌مازار (۱۳۹۰)، به تبیین رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی با گزارشگری مالیاتی در ایران پرداخت. نتایج پژوهش وی بیانگر وجود رابطهٔ مثبت بین گزارشگری مالیاتی و شفافیت گزارشگری مالی بوده است؛ به‌طوری که در صورت تهیهٔ گزارشگری مالیاتی به ضمیمهٔ گزارشگری مالی، شفافیت گزارشگری مالی تا حدود زیادی تأمین خواهد شد.

حقیقت و محمدی (۱۳۹۱) به بررسی رابطهٔ بین اجتناب مالیاتی با کیفیت افشا و ارزش شرکت پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که شرکت‌های با شفافیت بالا، پتانسیل تضاد نمایندگی کمتر و اجتناب مالیاتی بیشتری نسبت به شرکت‌های دارای شفافیت پایین دارند.

خدامی‌پور و امینی‌نیا (۱۳۹۲) به بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینهٔ بدهی و تأثیر مالکیت نهادی بر این رابطه پرداختند. نتایج حاکی از این است که سطح مالکیت نهادی بر ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینهٔ بدهی تأثیر معناداری ندارد.

فرضیه‌های پژوهش

پژوهش حاضر به‌دنبال بررسی رابطه بین برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی با شکاف مالیاتی است. از این رو، با توجه به مبانی نظری و اهداف پژوهش، فرضیه‌های زیر مطرح شده‌اند:

۱. بین استقلال هیئت‌مدیره و شکاف مالیاتی، ارتباط معناداری وجود دارد؛
۲. بین دوگانگی نقش مدیرعامل و شکاف مالیاتی، ارتباط معناداری وجود دارد؛
۳. بین میزان مالکیت سهامداران نهادی و شکاف مالیاتی، ارتباط معناداری وجود دارد؛
۴. بین میزان مالکیت دولتی و شکاف مالیاتی، ارتباط معناداری وجود دارد؛
۵. بین وجود واحد حسابرسی داخلی و شکاف مالیاتی، ارتباط معناداری وجود دارد؛
۶. بین نوع اظهارنظر حسابرس و شکاف مالیاتی، ارتباط معناداری وجود دارد؛
۷. بین تغییر حسابرس و شکاف مالیاتی، ارتباط معناداری وجود دارد؛
۸. بین معامله با اشخاص وابسته و شکاف مالیاتی، ارتباط معناداری وجود دارد.

www.SID.ir

Archive of SID

روش‌شناسی پژوهش

داده‌های این پژوهش از صورت‌های مالی حسابرسی‌شدهٔ شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، گزارش فعالیت هیئت‌مدیره به مجمع عمومی صاحبان سهام، پایگاه‌های اینترنتی مانند تارنمای کدال و پایگاه رسمی بورس استخراج شده است. جامعهٔ آماری این پژوهش کلیهٔ شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. از آنجاکه اطلاعات مالیات قطعی و مالیات تشخیصی سال‌های ۹۱ و ۹۲ وجود نداشت، امکان بررسی داده‌های مالیاتی این دو سال مقدور نبود، لذا قلمرو زمانی این پژوهش، دورهٔ شش‌ساله‌ای براساس صورت‌های مالی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ شرکت‌ها در نظر گرفته شد.

نمونهٔ پژوهش آن دسته از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را شامل می‌شود که دارای ویژگی‌های زیر باشند:

۱. تا پایان اسفند ماه ۱۳۸۴ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند؛
۲. سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفندماه هر سال باشد؛
۳. شرکت‌ها نباید سال مالی خود را طی دورهٔ مد نظر تغییر داده باشند؛
۴. شرکت‌های مد نظر باید ضمن فعالیت مستمر در دورهٔ پژوهش، سهام آنها نیز معامله شده باشد؛
۵. اطلاعات مالی برای انجام این پژوهش را در دورهٔ زمانی ۱۳۸۵ تا۱۳۹۰ به‌طور کامل ارائه کرده باشند و جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بانکی نباشند.

با توجه به شرایط فوق، در نهایت ۱۱۰ شرکت در بازهٔ زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ برای نمونه انتخاب شد.

مدل پژوهش

در پژوهش حاضر به‌منظور آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون چندگانهٔ زیر استفاده شده است:

رابطهٔ ۱)
$$TG_{it} = \alpha_0 + \beta_1 IBOD_{it} + \beta_2 DUAL_{it} + \beta_3 INST_{it} + \beta_4 STATE_{it} + \beta_5 IA_{it} + \beta_6 AO_{it} + \beta_7 CA_{it} + \beta_8 RPT_{it} + \beta_{11} SIZE_{it} + \beta_{12} LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیرهای موجود در مدل‌های رگرسیونی فوق در جدول ۱ نشان داده شده است:

www.SID.ir

Archive of SID

جدول ۱. نماد متغیرهای پژوهش و تعاریف آنها

متغیر	نماد	متغیر	نماد
میزان شکاف مالیاتی	TG	نوع اظهار نظر حسابرس	AO
استقلال هیئت‌مدیره	IBDO	تغییر حسابرس	CA
دوگانگی نقش مدیرعامل	DUAL	معامله با اشخاص وابسته	PRT
مالکیت سهامداران نهادی	INST	اندازهٔ شرکت	SIZE
مالکیت دولتی	STATE	اهرم مالی	LEV
وجود واحد حسابرسی داخلی	IA		

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

متغیر وابسته در این متغیر شکاف مالیاتی است. این متغیر از اختلاف بین مالیات ابرازی (اظهارشده) و مالیات تعیینی (تشخیصی، قطعی یا نظر نهایی شورای عالی مالیاتی)، به‌دست می‌آید. اولویت در انتخاب مالیات تعیینی، مالیات قطعی است و در مواردی که مالیات هنوز قطعی نشده باشد، از مالیات تشخیصی استفاده می‌شود. به‌منظور تعدیل این متغیر برای کلیهٔ شرکت‌ها با ویژگی‌های مختلف، نسبت شکاف مالیاتی از رابطهٔ ۲ به‌دست آورده شده است:

رابطهٔ ۲)
$$TC = \frac{\text{(مالیات ابرازی} - \text{مالیات تعیینی)}}{\text{مالیات ابرازی}}$$

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقلِ این پژوهش، سازوکارهای حاکمیت شرکتی هستند. برای این منظور تأثیر هر یک از سازوکارهای هشت‌گانهٔ حاکمیت شرکتی به‌صورت جداگانه در یک مدل رگرسیون به همراه متغیرهای کنترل بر شکاف مالیاتی سنجیده شده است. در این پژوهش به پیروی از پژوهش مهرانی و صفرزاده (۱۳۹۰)، سازوکارهای حاکمیت شرکتی به‌صورت جدول ۲ اندازه‌گیری شده است.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول ۲. نحوهٔ اندازه‌گیری سازوکارهای حاکمیت شرکتی

نام متغیر	نحوهٔ اندازه‌گیری
استقلال هیئت‌مدیره	اگر نسبت درصد اعضای غیر موظف به کل اعضای هیئت‌مدیره از میانگین درصد محاسبه‌شده برای کل شرکت‌ها کمتر باشد، صفر و در غیر این صورت یک لحاظ می‌شود.
دوگانگی نقش مدیرعامل	اگر پست مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره بر عهدهٔ یک نفر باشد، عدد صفر و در غیر این صورت یک لحاظ می‌شود.
سهامداری نهادی	اگر میزان مالکیت سهامداران نهادی کمتر از میانگین درصد مالکیت سهامداران نهادی کل شرکت‌های نمونه‌گیری‌شده باشد، صفر و در غیر این صورت یک لحاظ می‌شود.
مالکیت دولتی	اگر میزان مالکیت دولتی در شرکتی کمتر از میانگین درصد مالکیت دولتی کل شرکت‌های نمونه‌گیری‌شده باشد، صفر و در غیر این صورت یک لحاظ می‌شود.
حسابرسی داخلی	نداشتن واحد حسابرسی داخلی، صفر و در غیر این صورت یک لحاظ می‌شود.
نوع اظهارنظر حسابرس	اظهارنظر نامقبول، صفر و در غیر این صورت یک لحاظ می‌شود.
تغییر حسابرس	تغییر نکردن شریکان امضاکنندهٔ گزارش حسابرسی شرکت در یک سال گذشته، صفر و در غیر این صورت یک لحاظ می‌شود.
معامله با اشخاص وابسته	اگر نسبت معامله با اشخاص وابسته به فروش یک شرکت بیشتر از میانگین این نسبت برای کل شرکت‌های نمونه‌گیری‌شده باشد، صفر و در غیر این صورت یک لحاظ می‌شود.

متغیرهای کنترل

از آنجاکه در یک پژوهش نمی‌توان اثر تمام متغیرها را به‌طور همزمان بر یکدیگر مطالعه کرد، محقق اثر برخی از متغیرها را کنترل‌کرده و آنها را خنثی می‌کند. این نوع متغیرها، متغیر کنترل نامیده می‌شوند. در این پژوهش از متغیرهای کنترل زیر استفاده شده است:

اندازهٔ شرکت: اندازهٔ شرکت متغیری است که میزان در دسترس‌بودن اطلاعات را نشان می‌دهد. به بیان دیگر اطلاعات شرکت‌های بزرگ بیش از شرکت‌های کوچک در دسترس همگان قرار دارد. این موضوع سبب کاهش مسئلهٔ عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های بزرگ می‌شود و نوع مدیریت سود توسط مدیران را تحت تأثیر قرار می‌دهد (سیرگی، ۲۰۰۹). از آنجا که سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران، شرکت‌های بزرگتر را با دقت بیشتری بازبینی می‌کنند و کمتر به مدیریت سود می‌پردازند، بنابراین مدیران چنین شرکت‌هایی، تمایل بیشتری برای انتشار اطلاعات دارند (لبوو و ژوو، ۲۰۰۱) و انتظار می‌رود شکاف مالیاتی در آنها کمتر باشد.

اهرم مالی: این متغیر نشان می‌دهد چه بخشی از دارایی‌ها از محل بدهی‌ها یا حقوق صاحبان سهام تأمین مالی شده است. ساختار بدهی شرکت می‌تواند یک عامل مؤثر در مدیریت سود تلقی

www.SID.ir

Archive of SID

شود. در نتیجه انتظار می‌رود شرکت‌هایی که حجم بالایی از دارایی‌های خود را از محل بدهی تأمین کرده‌اند، اطلاعات حسابداری با کیفیتی را گزارش نکنند، تا منابع شرکت را هرچه بیشتر حفظ‌کرده و در آینده از میزان بدهی‌های خود بکاهند و در نتیجه میزان شکاف مالیاتی در آنها بیشتر شود. در این پژوهش از نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها برای محاسبهٔ اهرم مالی استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها در جدول ۳ آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، میانگین نسبت شکاف مالیاتی ۳۱/۰۴ است. همچنین حداقل نسبت شکاف ۰/۹۹- و بیشترین نسبت آن ۷۶/۰۱ به‌دست آمده است. میزان اختلاف بین میانگین و میانهٔ متغیر نسبت شکاف مالیاتی نیز نشان‌دهندهٔ توزیع غیر نرمال این متغیر است. با توجه به مقادیر به‌دست‌آمده می‌توان گفت، متغیر شکاف مالیاتی به‌دلیل بیشترین انحراف معیار در بین متغیرهای پژوهش دارای کمترین پایداری است و متغیر دوگانگی نقش مدیرعامل با کمترین انحراف معیار، بیشترین ثبات و پایداری را طی دورهٔ شش‌سالهٔ پژوهش داشته است.

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشترین	کمترین	تعداد مشاهدات
شکاف مالیاتی	۳۱/۰۳	۰/۲۶	۳۷/۱۵	۷۶/۰۱	-۰/۹۹	۶۶۰
استقلال هیئت مدیره	۰/۸۰	۱	۰/۴۰۶	۱	۰	۶۶۰
دوگانگی نقش مدیرعامل	۰/۹۸	۱	۰/۱۳۹	۱	۰	۶۶۰
سهامداری نهادی	۰/۵۱	۱	۰/۵۰۲	۱	۰	۶۶۰
مالکیت دولتی	۰/۳۵	۰	۰/۴۷۵	۱	۰	۶۶۰
حسابرسی داخلی	۰/۴۵	۰	۰/۴۹۸	۱	۰	۶۶۰
نوع اظهارنظر حسابرس	۰/۳۳	۰	۰/۴۶۹	۱	۰	۶۶۰
تغییر حسابرس	۰/۱۹	۰	۰/۳۸۹	۱	۰	۶۶۰
معامله با اشخاص وابسته	۰/۶۲	۱	۰/۴۸۵	۱	۰	۶۶۰
اندازهٔ شرکت	۵/۴۱	۵/۳	۰/۶۵۶	۷/۴۷	۱/۹۰	۶۶۰
اهرم مالی	۰/۶۷	۰/۶۷	۰/۱۹۸	۱/۹۴	۰/۱۹	۶۶۰

www.SID.ir

Archive of SID

آمار استنباطی

به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون خطی چندگانه استفاده شده است. برای اطمینان از تفسیر روابط رگرسیونی، فرض‌های زیربنایی رگرسیون به‌کار رفته در این پژوهش بررسی شد. بدین منظور ابتدا پایایی برخی از متغیرهای پژوهش (متغیرهای کمی) با اجرای دو آزمون فیلیپس پـرون و هادری به تأیید رسید. نتایج آزمون پایایی متغیرهای کمی در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ٤. آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

متغیر	آزمون فیلیپس پرون			آزمون هادری	
	مقدار آماره	احتمال آماره	نتیجه	مقدار آماره	احتمال آماره	نتیجه
شکاف مالیاتی	۳۶۷/۳۳۱	۰/۰۰۰۱	عدم رد مانایی	۹/۷۶۸	۰/۰۰۰۱	عدم رد مانایی
اندازهٔ شرکت	۴۲۱/۵۸۲	۰/۰۰۰۱	عدم رد مانایی	۱۵/۵۷۵	۰/۰۰۰۱	عدم رد مانایی
اهرم مالی	۴۰۶/۱۶۶	۰/۰۰۰۱	عدم رد مانایی	۱۴/۷۱۹	۰/۰۰۰۱	عدم رد مانایی

به‌منظور تشخیص از بین الگوی داده‌های ترکیبی یا تابلویی، از آزمون تشخیصی F لیمر استفاده شد که نتایج آن نشان‌دهندهٔ مدل تابلویی است. از آنجا که در الگوهای تابلویی، باید نوع الگو از بین اثرهای ثابت و تصادفی مشخص شود، آزمون هاسمن اجرا شد که نتایج آن نشان‌دهندهٔ انتخاب الگوی اثرهای ثابت است. نتایج آزمون F لیمر و آزمون هاسمن در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون F لیمر و هاسمن

آزمون	F لیمر		روش	هاسمن		نتیجه
	مقدار آمارهٔ F	احتمال آماره F		مقدار آماره	احتمال آماره	
مدل پژوهش	۱/۷۳۲	۰/۰۰۰۱	تابلویی	۱۵/۵۸۲	۰/۰۰۷۳	رد الگوی اثرهای تصادفی

برای آزمون فرض عدم خودهمبستگی از آزمون وولدریج[1] استفاده شد، نتایج این آزمون نشان داد بین متغیرها همبستگی وجود ندارد. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس نیز گویای این بود که واریانس‌ها مشکل ناهمسانی دارند که برای رفع این مشکل از آزمون حداقل مربعات تعمیم‌یافتهٔ تخمینی (EGLS) در مدل نهایی رگرسیون استفاده می‌شود. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی در جدول ۶ آمده است.

1. Woolldrige

www.SID.ir

Archive of SID

جدول ٦. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس‌ها و خودهمبستگی

آزمون	آزمون خودهمبستگی		نتیجه	آزمون ناهمسانی واریانس‌ها		نتیجه
	مقدار آماره	سطح معناداری		مقدار آماره	معناداری	
مدل پژوهش	۰/۷۵۶	۰/۳۸۶۴	رد خودهمبستگی	۱۵۵۷/۹۳	۰/۰۰۰۱	ناهمسان

آزمون فرضیه‌های پژوهش

پس از به‌دست آوردن نتایج اجرای آزمون‌های مرحلهٔ پیش، به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود. با توجه به نتیجهٔ آزمون مدل اصلی پژوهش، از آنجاکه سطح معناداری آمارهٔ F (۰/۰۰۰) کمتر از ۵ درصد است، می‌توان گفت که شاخص نیکویی برازش مدل، یعنی آمارهٔ F و در نتیجه رگرسیون معنادار است. ضریب تعیین تعدیل‌شده در این مدل ۰/۷۱۱ است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترل حدود ۷۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش در جدول ۷ مشاهده می‌شود.

جدول ۷. نتایج آزمون مدل پژوهش

متغیر	EGLS		
	ضرایب	آمارهٔ t	احتمال t
استقلال هیئت مدیره	-۰/۰۸۴	-۳/۵۵۶	۰/۰۰۰۴
دوگانگی نقش مدیرعامل	۰/۰۶۵	۰/۲۴۶	۰/۸۰۵
مالکیت سهامداران نهادی	۰/۰۲۶	۱/۶۰۹	۰/۱۰۸
مالکیت دولتی	-۰/۰۲۲	-۲/۱۶۲	۰/۰۳۱۰
حسابرس داخلی	۰/۰۱۲	۵/۱۳۶	۰/۰۰۰
نوع اظهار نظر حسابرس	-۰/۰۲۱	-۲/۹۲۳	۰/۰۰۳
تغییر حسابرس	-۰/۰۶۹	-۳/۰۴۹	۰/۰۰۲
معامله با اشخاص وابسته	-۰/۰۴۵	-۱/۱۲۸	۰/۲۵۹
اندازهٔ شرکت	۰/۰۲۷	۱۲/۲۰۴	۰/۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۵۱۸	-۴/۴۵۷	۰/۰۰۰
ضریب تعیین		۰/۷۶۳	
ضریب تعیین تعدیل‌شده		۰/۷۱۱	
آمارهٔ دوربین- واتسون		۱/۷۲۵	
آمارهٔ F		۱۴/۶۶۷	
احتمال آمارهٔ F		۰/۰۰۰۱	

www.SID.ir

Archive of SID

با توجه به معناداربودن و مناسب‌بودن مدل رگرسیون برازش‌شدهٔ آزمون فرضیه‌ها، می‌توان فرضیه‌های این پژوهش را به‌صورت زیر تجزیه و تحلیل کرد:

برای فرضیهٔ اول، سطح معناداری متغیر استقلال هیئت‌مدیره کمتر از ۵ درصد (۰/۰۰۰۴) است و همبستگی آن با شکاف مالیاتی منفی است، بنابراین فرضیهٔ اول تأیید می‌شود.

در فرضیهٔ دوم، سطح معناداری متغیر دوگانگی نقش مدیرعامل بیشتر از ۵ درصد است. بنابراین فرضیهٔ دوم تأیید نمی‌شود.

در فرضیهٔ سوم با توجه به نتایج کسب شده مشاهده می‌شود که سطح معناداری متغیر میزان مالکیت سهامداران نهادی بیشتر از ۵ درصد است، بنابراین فرضیهٔ سوم نیز تأیید نمی‌شود.

دربارهٔ فرضیهٔ چهارم می‌توان گفت با توجه به ضریب منفی متغیر میزان مالکیت دولتی و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد (۰/۰۳۱)، این فرضیه تأیید می‌شود.

در فرضیهٔ پنجم با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از برآورد مدل، سطح معناداری متغیر وجود حسابرسی داخلی کمتر از ۵ درصد (۰/۰۰۰) است و همبستگی آن با شکاف مالیاتی رقم مثبتی را نشان می‌دهد. در نتیجه این فرضیه نیز به تأیید می‌رسد.

نتایج آزمون نشان می‌دهد که ضریب متغیر نوع اظهارنظر حسابرس منفی است و سطح معناداری نیز کمتر از ۵ درصد (۰/۰۰۳) است. بنابراین فرضیهٔ ششم رد می‌شود.

در نتیجهٔ آزمون فرضیهٔ هفتم، سطح معناداری متغیر تغییر حسابرس کمتر از ۵ درصد (۰/۰۰۲) به‌دست‌آمده و ضریب آن نیز منفی است. در نتیجه این فرضیه نیز تأیید می‌شود.

در آزمون فرضیهٔ هشتم با توجه به نتایج کسب شده مشاهده می‌شود که سطح معناداری متغیر میزان مالکیت سهامداران نهادی بیشتر از ۵ درصد است، لذا فرضیهٔ هشتم نیز تأیید نمی‌شود. همچنین آزمون نتایج متغیرهای کنترل نشان می‌دهد که متغیر اندازهٔ شرکت تأثیر مثبت و معناداری بر شکاف مالیاتی دارد و تأثیر متغیر اهرم مالی بر شکاف مالیاتی نیز منفی و معنادار است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش تلاش شد با به‌کارگیری و اندازه‌گیری برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی، تأثیر آنها بر شکاف مالیاتیِ شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران سنجیده شود. بدین منظور پس از جمع‌آوری داده‌های ۱۱۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازهٔ زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ و با استفاده از الگوی رگرسیونی پانل دیتا به آزمون فرضیه‌ها پرداخته شد.

نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد بین استقلال هیئت‌مدیره و شکاف مالیاتی رابطه‌ای منفی وجود دارد. براساس مبانی نظری نیز مشخص شد، حضور مدیران غیرموظف در هیئت مدیرهٔ

www.SID.ir

Archive of SID

شرکت‌ها و عملکرد نظارتی آنها به‌منزلهٔ افرادی مستقل، به کاهش تضاد منافع موجود مدیران و ذی‌نفعان کمک زیادی می‌کند و مشکلات نمایندگی کمتر می‌شود.

همچنین نتایج نشان می‌دهد که میان دوگانگی نقش مدیرعامل و شکاف مالیاتی رابطهٔ معناداری وجود ندارد. این نتیجه با نتایج پژوهش باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) مطابقت دارد. شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل آن، بی‌توجهی به پرداخت صحیح مالیات از طرف مدیران و هیئت‌مدیرهٔ شرکت‌ها باشد.

نتایج مشخص کرد بین میزان مالکیت سهامداران نهادی و شکاف مالیاتی رابطهٔ معناداری وجود ندارد. این نتیجه نیز با یافته‌های باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) مطابقت دارد. یکی از دلایل آن، بی‌تمایلی سهامداران نهادی برای پرداخت صحیح مالیات در ایران است؛ زیرا این دسته از سهامداران، سهم بالایی از سود شرکت‌ها را در اختیار دارند و با پرداخت کمتر مالیات، سود زیادی را به‌دست می‌آورند.

نتایج پژوهش حاضر بیانگر وجود رابطهٔ منفی میان میزان مالکیت دولتی و شکاف مالیاتی است. براساس مبانی نظری نیز، چنانچه سازمان‌های دولتی و شبه‌دولتی در شرکتی سرمایه‌گذاری شایان توجهی کنند، با نفوذ چشمگیر در آن شرکت، حتی کنترل آن را نیز به‌دست می‌آورند، اطلاعات ارائه‌شدهٔ این‌گونه شرکت‌ها از کیفیت بهتری برخوردار می‌شود و منافع دولت را بهتر برآورده می‌کنند.

شواهد پژوهش نشان می‌دهد که بین وجود واحد حسابرسی داخلی و شکاف مالیاتی رابطهٔ مثبتی وجود دارد. این نتیجه مغایر با مبانی نظری حاکمیت شرکتی است. در توجیه این نتیجه می‌توان گفت، واحد حسابرسی داخلی در ایران هنوز در ابتدای راه قرار دارد و وظیفهٔ خود را به درستی ایفا نمی‌کند.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که میان نوع اظهار نظر حسابرس و شکاف مالیاتی رابطه‌ای منفی وجود دارد. بر اساس مبانی نظری نیز، صاحبکارانی که از رتبهٔ حاکمیت شرکتی بالایی برخوردارند، می‌توان انتظار داشت که اطلاعات حسابداری تهیه‌شدهٔ این شرکت‌ها دارای قابلیت اتکا و اطمینان معقول باشد که یکی از نتایج آن کاهش شکاف مالیاتی است.

از یافته‌های دیگر این پژوهش اینکه بین تغییر حسابرس و شکاف مالیاتی رابطه‌ای منفی وجود دارد. مطابق با مبانی نظری و پیشینهٔ پژوهش نیز، تغییر حسابرس موجب افزایش استقلال و دقت در رسیدگی‌های حسابرس می‌شود و این امر افزایش کیفیت اطلاعات منتشر شدهٔ حسابرسان را به همراه دارد. در نتیجه حقوق کلیهٔ ذی‌نفعان از جمله دولت بهتر رعایت می‌شود.

www.SID.ir

Archive of SID

در نهایت نتایج نشان داد که بین معامله با اشخاص وابسته و شکاف مالیاتی رابطهٔ معناداری وجود ندارد. در حالیکه براساس مبانی نظری، معامله با اشخاص وابسته موجب کاهش کارایی حاکمیت شرکتی می‌شود، یافته‌های پژوهش حاضر این گفته را تأیید نمی‌کند.

References

Ahmadpoor, A. Kashanipoor, M. & Shojaei, M. (2011). The effect of Corporate Governance, and Audit Quality on Cost of Debt Financing. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 17(62): 17-48. (*in Persian*)

Babajani, J. & Abdi, M. (2010). Relationship between Corporate Governance and Enterprises Taxable Profit. *Financial accounting researches*, 2(3): 65-68. (*in Persian*)

Baradaran Hasanzadeh, R., Badavar Nahandi, Y. & Babaei, Gh. H. (2012). A Survey of the Relationship between Corporate Governance with Created Shareholder Value (CSV) and Economic Value Added (EVA). *The Iranian Accounting and Auditing Review,* 19(68): 1-16. (*in Persian*)

Ehikioya, B.I. (2009). Corporate Governance Structure and Firm Performance in Developing Economies: Evidence from Nigeria. *Corporate Governance,* 9 (3): 231- 243.

Berle, A. and Means, G. (1932). *The modern corporation and private property*. New York: Macmillan.

Bulu, G. Maham, K. Gudarzi, I. (2010). Independent Auditor Changes and Information Transparency of Listed companies in Tehran Stock Exchange (TSE). *Journal of accounting knowledge*, 1(1): 111-135. (*in Persian*)

Bushee, B. (1998). The influence of institutional investors on myopic R&D investment behavior. *The Accounting Review,* 7(3): 305-333.

Cameron, M., Prencipe, A. and Trombetta, M. (2008). *Earnings management, audit tenure and auditor changes: Does mandatory auditor rotation improve audit quality?* Working paper, Universita Boncconi.

Chung, H. (2004). *Selective Mandatory Auditor Rotation and Audit Quality: an Empirical Investigation of Auditor Designation Policy in Korea*. Working paper. Available in: http://docs.lib.purdue.edu/dissertations/AAI3154606.

Corlacia, A. and Tudor, A. (2011). Related Party Transaction Overiew. *Annales Universitais Apulensis Series Oeconomica,* 13 (2): 241-248.

Desai, M. & Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics,* 79 (1): 145-179.

www.SID.ir

Archive of SID

Donaldson, L. & Davis, J.H. (1991). Stewardship Theory or Agency Theory: CEO Governance and Shareholder Returns. *Australian Journal of Management*, 16 (1): 49-64.

Dyckb, A. & Luigi, Z. (2007). Theft and taxs. *Journal of Financial Economics*, 84 (3): 591-623.

Ebrahimi Kordlar, A. & Shahriari, A. (2010). A Review of Relationship between the Political Costs and Conservatism in Tehran Stock Exchange. *The Iranian Accounting and Auditing Review,* 16(4): 3-16. (*in Persian*)

Esmailzadeh, A., Jalili, M., Zand Abbasabadi, A. (2011). A review influence of corporate governance on earning quality in TSE companies. *Management Accounting Journal*, 3(7): 79-92. (*in Persian*)

Fama, E. F. & Jensen, M. C. (1983). Separation of Ownership and Control. *Journal of Law and Economics*, 26 (2): 301-325.

Friese, A., Link, S. & Mayer, S. (2006). *Taxation and Corporate Governance,* Springer Berlin Heidelberg, Berlin, Germany.

Gramling, A.A. and Mayers, P.M. (2003). Internal Auditors Assessment of Fraud Warning Signs: Implications for External Auditors, *The CPA Journal*, 73 (6): 4-20.

Haghighat, H. Mohammadi, M. (2013). Tax avoidance, corporate transparency and firm value, *quantitaive researches in management*, 4(1): 209-228. (*in Persian*)

Hambrick, D.C. & Jackson, E.M. (2000). *Ownership Structure, Boards and Directors,* Paper presented at the August 2000 meeting of the Academy of Management, Toronto.

Hamilton, J., Ruddock, C., Stokes, D. and Taylor, S. (2005). *Audit partner rotation, earnings quality and earnings conservatism.* Working paper, University of Technology, Sydney, and University of New South Wales.

Hanlon, M. & Slemrod, J. (2009). What Does Tax Aggressiveness Signal? Evidence from Stock Price Reactions to News about Tax Shelter Involvement*, Journal of Public Economics,* 93: 126-141.

Hassas Yeghaneh, Y., Ddashi, I. (2011). The efect of corporate governance on independent auditor opinion, *management accounting journal,* 3(5): 65-73. (*in Persian*)

Hassas Yeghaneh, Y. & Nadi Ghomi, V. (2006). The role of transparency in effectiveness of corporate governance. *Hesabdar*, 21(179): 32-37. (*in Persian*)

Hasseldinea, J. & Morrisb, G. (2013). Corporate social responsibility and tax avoidance: A comment and reflection. *Accounting Forum*, 37 (1): 1– 14.

www.SID.ir

Archive of SID

Huseynov, F. & Klamm, B. (2012). Tax avoidance, tax management and corporate social responsibility. *Journal of Corporate Finance*, 18 (4): 804-827.

Kafami, M. (2014). *The impact of corporate governance mechanisms on the tax gap of listed companies in Tehran Stock Exchange*, Urmia, Univercity of Urmia. (*in Persian*)

Khanjan, A. (2003). *Measure the actual tax gap*. Khorasan province economic affairs department. (*in Persian*)

Khoddamipour, A. & Amininia, M. (2013). An Investigation into the Relationship between Tax Avoidance and cost of debt and the effect of institutional ownership on this Relationship. *Tax Research*, 21(19): 135-156. (*in Persian*)

Khoddamipour, A., Amini, M., Houshmand, R. (2012). Effect of Disclosure requirements for transactions with related parties on Earnings Management. *Journal of accounting research*, 2(2): 65-83. (*in Persian*)

Kohlbeck, M., Mayhew, B. W. (2010). Valuation of Firms that Disclose Related Party Transactions. *Journal of Accounting and Public Policy*, 29 (2): 115-137.

Lanis, R., Richardson, G. (2012). Corporate social responsibility and tax aggressiveness an empirical analysis. *journal of accounting and public policy,* 31(1): 86-108.

Lobo, G.J., Zhou, J. (2001). Disclosure quality and earning management. Asia-Pacific Journal of Accounting and Economics, 8 (1): 1-20.

McLaren, J. (2008). The distinction between tax avoidance and tax evasion has become blurred in Australia: Why has Australasian Tax Teachers Association, *Journal of the Australasian Tax Teachers Association,* 3(2): 141–163.

Mehrani, K. & Safarzadeh, M. (2011). Explain the relationship between corporate governance and earnings quality with the native approach. *Accounting Knowledge,* 2(7): 69-98. (*in Persian*)

Miller, R. & Casanegra, M. (1992). *Improving Tax Administration in Developing,* IMF Publication.

Minnick, M. & Noga, T. (2010). Do corporate governance characteristics influence tax management. *Journal of Corporate Finance*, 16 (5): 703-718.

Noravesh, I. & Hoseyni, S. A. (2009). Corporate disclosure quality and earning management. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 16 (55): 117-134. (*in Persian*)

www.SID.ir

Archive of SID

Rahimian, N., Salehnejad, H. & Saleki, A. (2010). Relationship between the Some of Corporate Governance Mechanisms and Information Asymmetry in the Firms listed in Tehran Stock Exchange. *The Iranian Accounting and Auditing Review,* 16(5): 71-86. (*in Persian*)

Rego, S. (2003). Tax-Avoidance activities of U.S. multinational Corporations. *Contemporary Accounting Research*, 20 (4): 805-833.

Richardson, G., Lanis, R. (2007). Determinants of the variability in corporate effective tax rates and tax reform: Evidence from Australia. *Journal of Accounting and Public Policy*, 26 (6): 689-704.

Satori, N. (2008). *Effects of strategic tax behaviors on corporate governance*. September 1, university of Michigan. Available at SSRN: http://ssrn. com/ abstract=1358930 or http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1358930.

Sergey, S., Elena, P., Salavat, G., Olga, L., Danila, P. & Evgeny, S. (2009). *Transparency and Disclosure by Russian Companies: The Gap Between the Highest Scoring Companies and the Lowest Scoring Companies Widens*, Supported by RTS Stock Exchange.

Setayesh, M. & Ebrahimi, F. (2011). The impact of corporate governance mechanisms on information content profit of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Accounting Knowledge*, 3(8): 31-48. (*in Persian*)

Seyed Noorani, M. (2009). *Tax evasion and economic growth in Iran*. Tehran: Islamic Parliament Research Center. (*in Persian*)

Sheri, S. Marfu, M. (2008). Relationship between non executive board members and investors Institutional and corporate profit forecasts. *Experimental study of financial accounting in Iran,* (17): 63-104 (*in Persian*)

Shleifer, A. & Vishny, R. (1886). Large Shareholders and Corporate Control. *Journal of Political Economy,* 94 (3): 88-142.

Silvani, K. & Katherine, B. (1998). *Designing a tax administration reform strategy*, United Nations ESCAP publication.

Talebnia, GH. & Arabmazar, A. (2009). The effect on the transparency of financial reporting and tax reporting. *Quarterly Financial Accounting*, 3(9): 67-83. (*in Persian*)

www.SID.ir